



نگرشی کوتاه بر مدیریت با عنایت به سوره‌های مبارکه طه و نمل

از: غلامرضا علیرضایی

اشاره:

بحث فشرده ذیل که تحت عنوان (نگرشی کوتاه بر مدیریت، با عنایت به سوره‌های مبارکه طه و نمل) توسط برادر غلامرضا علیرضایی تهیه و تدوین یافته است طی دو شماره ماهنامه از نظر گرامی‌تان می‌گذرد. نظر به اینکه تحقیق و مطالعه مدیریت مبرم‌ترین نیاز امروزین ادارات و مؤسسات تعاونی‌ها می‌باشد، امید است که مورد عنایت و بهره‌برداری مدیران گرامی ادارات و تعاونی‌ها قرار گیرد. پیگیری این بحث را به افرادی که اداره تشکیلات و مسئولیت سرپرستی و هدایت گروهی به آنها سپرده می‌شود، توصیه می‌کنیم.

فرهنگ هر قوم ملزم و ناچار از پذیرش مدیر است، نظام قانون‌گذاری و اقامه عدل، حکومت و اجرای قانون، حفظ امنیت و حدود و ثغور و جنگ و صلح و مراودات سیاسی و تامین بهداشت و آموزش و غیره، مدیریتی پویا و تکامل پذیر را می‌طلبد، که از درون کوچکترین واحد اجتماعی، یعنی خانواده شروع و تا برترین مقیاس، یعنی کل اجتماع را در برمی‌گیرد.

مطلبی که لازمه مدیریت است و اصلاً با پویایی و تکامل کوچکترین تناقض و تضادی ندارد، علاوه بر قوانین موضوعه، ملاک‌هایی است که از بن سرشت و وجدان آحاد سرچشمه می‌گیرد. بعبارت بهتر ناخودآگاه جوشان است و به فرموده قرآن مجید، در هیچ شرایطی تغییر پذیر نیست ...

فطرة الله التي فطر الناس عليها لا تبديل

پرداختن به نحوه انتخاب و شرح وظایف عوامل قوه مجریه که از آن به دولت - وزارتخانه‌ها، ارگانها، نهادها و سازمانهای دولتی و وابسته به دولت - تعبیر می‌شود و یا انتخاب نمایندگان، بعنوان قوه مقننه که، به کار قانون‌گذاری می‌پردازند و نظارت بر اجرای قانون را بعهده دارند و همچنین انتخاب قضات و اداره این قوه که به حل و فصل دعاوی می‌پردازند، در محدوده اهداف این مقاله نیست، ولی وجه مشترک گماردن کارگزاران این سه قوه عبارت از (حکم) است که از صدر تا ذیل، از رؤسای سه قوه گرفته تا پیشخدمت و کارگر ساده در اقصی نقاط مملکت را شامل می‌شود و برای هر کسی متناسب با شرح وظایفش مدیریتی به او محول می‌شود.

از آنجا که هر شعبه و بخشی، برای اداره، موافق زمان و مکان و اقلیم جغرافیائی و نژاد و

از امور مسلم و اصول حکومتها، تدوین تشکیلات نظام اجتماعی است. خبرگان منتخب ملت بر اساس کتاب آسمانی (مجموعه اعتقادات دینی) و تاریخ و فرهنگ اجتماعی و همچنین اوضاع و احوال جغرافیائی و اقلیمی با عنایت به ملاک و تلقی‌های اصیل، قانون کلی اداره کشور را که، قانون اساسی نامیده می‌شود، از هر لحاظ تهیه و در همه‌پرسی (رفراندوم) برای تصویب به آراء آحاد ملت می‌سپارند و بدین ترتیب تشکیلات نظام اجتماعی تضاد و مشروعیت ملی می‌یابد. قابلیت و مشروعیت قوای ناشی از قانون اساسی، یعنی سه قوه مجری، مقننه و قضائیه منفک از یکدیگر، متناسب با وضعیت موجود، عوامل خود را، از اهالی سراسر مملکت انتخاب و با صدور (حکم) بخدمت می‌گمارند.

مانند تمایل ذاتی خداجوئی عشق به عدالت و کمال خواهی و ...

بر شمردن مثالها و اثبات ملاکها، مقوله گسترده‌ای است که در این مقال نمی‌گنجد. دین اسلام بعنوان آخرین دین و کاملترین ادیان الهی، متضمن کلیه ملاکهای فطری و اصیل می‌باشد در این مقال برآنیم به استناد آیات الهی در دو سوره مبارکه طه و نمل و ... بعون ... تعالی موضوع مدیریت را استتساخ و با استفاده از آراء دانشمندان و مفسرین و روایات نبوی و ائمه معصومین، ابعاد آنرا ولو ناقص - بلحاظ محدودیت شدید، بطور فشرده بررسی کنیم چه معتقدیم که قرآن مجید بعنوان منبع وحی لایزال الهی نکته‌ای از نیازهای روحی و اجتماعی و اقتصادی بشر را ناگفته نگذارده، مفصل یا مجمل، هدایت لازم را معمول فرموده است. فی‌المثل در ۲۰ مورد راجع به فرمان (حکم) آیه نازل فرموده است.

نظر به اینکه اجتماع شبکه‌ای در هم تنیده از روابط انسانی و موضوع مدیریت، انسان و رفتار بخشی از این روابط است لذا بایستی عمیقاً توجه کنیم که بخش اعظم قرآن نیز انسان و رفتار او را بیان می‌دارد علاوه بر این و با توجه به اینکه اسلام بعنوان یک دکترین در متن زندگی اجتماعی و سیاسی مسلمانان روز به روز حضور بیشتری پیدا می‌کند و کانون انقلاب اسلامی یعنی ایران شاهد این مدعاست، علیهذا همه انتظار دارند که اسلام برنامه‌های مدیریت خود را در بخشهای مختلف زندگی روشن سازد و پایه‌هایی را که بر آن استوار است نشان دهد، زیرا بعد از انقلاب، سخن از اداره شئون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به میان می‌آید. «مدیریت تنها علم نیست، هم علم است و

هم هنر. تا آنجا که به دانستن مربوط می‌شود، علم است و آنجا که با توانستن سروکار دارد، هنر است.»

(مهدی ایران‌نژاد پاریزی)^۱

حکم «فرمان انتصاب»

مسئولیت هر فرد، در قبال مأموریتش از لحظه‌ای شروع می‌شود، که فرمان (حکم) نصب او، از سوی مقام مافوق تنفیذ و صادر می‌شود.

حکم برای مقام و مسئولیتی که صادر می‌شود، بطور خلاصه متضمن حدود و ثغور و

صدر مهره‌ها و زیردستان و مجریان امور حوزه فعالیتش را با کسب شناخت کامل، از میزان معلومات و درستکاری و لیاقت آنها انتخاب و منصوب نماید. (یا انتصاب آنها را از مقام بالاتر تقاضا کند).

قصه قرآنی حضرت موسی علیه السلام که در چند جا با آیه‌های مشابه از دیدگاههای مختلف به آن اشاره شده است، حاوی نکاتی است که هر یک برای مدیران مسلمان ما درسی است و بذل توجه لازم را می‌طلبد:

۱ - نقاشی جو: خفقان نفس‌گیر حکومتی



ابعاد و وظایفی است که به آن فرد محول می‌گردد (شرح حکم). امکانات اجرای وظایف در اختیار متصدی منصب گذارده می‌شود و او موظف است در قبال امکانات و اختیارات تفویض شده تمام سعی و تلاش خود را بکار بسته، با استفاده از معلومات و آموزشهای طی شده، وفق مقررات و قوانین مربوطه، پویا و پر تلاش با علاقه‌مندی و سعه

و تجسس پلیسی شدید، که تا فرزند پسری از بنی اسرائیل متولد می‌شود بایستی ذبح (کشته) شود که، مبادا تعبیر خواب گذار مبنی بر واژگونی اقتدار فراعنه، به حقیقت پیوندد به این حقیقات منتهی می‌شود که دست مقتدر الهی، حضرت موسی را تحت حضانت خود فرعون، که خداوند حکیم، شدیداً مهرش را به دل فرعونیان افکند، بزرگ می‌شود.

... توکل منزلی است از منازل دین و جایگاه و مقامی است از مقامات اهل یقین و از بالاترین درجات دوستان و مقربان الهی است توکل بخودی خود امری پیچیده است به جهت علم، سپس مشکلی است از جهت عمل در یک تعریف کلی (توکل عبارت از اینکه انسان زمام امور خود را به دست غیر خود دهد و تسلیم او شود که هرچه او صلاح دید و کرد همان را صلاح خود بداند و این خود از اخص آثار عبودیت است)

سریچیده نافرمانی می‌کند و حضرت (درمی‌یابد) و باصلاح توجه می‌شود که نافرمانی فرعون، دلیل اصلی حکم است که بایستی به شیوه‌ای که بوی وحی می‌شود اقدام شود.

اسباب و لوازم مدیریت

۵- آشنائی با نیروهای موجود خواص و ابزار و عوامل کار:

مدیری که عمیقاً با ابزار کار و خاصیت آنها آشنا نباشد و نداند چه وسیله‌ای در اختیارش گذارده‌اند و چه خواصی بر آنها مترتب است و یا عوامل تحت فرمان خود را تمام و کمال نشناسد، قطعاً اگر خرابیها ببار نیآورد، مطمئناً ضمن ضایع کردن نیروها شیرازه کار از دستش خارج و گرفتار سردرگمی و اتلاف وقت و سرمایه خواهد شد. و اما خداوند متعال، با سئوالی از حضرت موسی (ع) می‌پرسد: و ما تلک بیمینک یا موسی؟ تا توجه ژرف او را به عصائی که معجزه الهی در آن به ودیعه گذارده شده است، جلب فرماید که هر چیز می‌تواند ابزار با اهمیتی باشد و مدیر بایستی همه سونگر و ژرف بین باشد و مثلاً استعدادهای نهفته یا ابراز نشده و عوامل و ابزار تحت فرمان خود را، منحصر به یک دو امر نکرده تضییقی در میدان بروز توانائیها و هنرهای متفاوت انسانها فراهم نکند، بلکه با اقدامات و تشویقها و ایجاد انگیزه‌های مادی و معنوی به شکفتن استعدادهاى مختلف افراد مساعدت نماید. لطف دیگر این نوع فعالیت آگاهی دادن، تعمق و ماندگاری اثر بیان خواهد بود که در عین حال فرد را به فکر بیشتر وای می‌دارد.

۶- استعداد از دعا:

مدیر هرچند قوی و مسلط به امور باشد،

می‌رسد، فرمان می‌دهد و می‌فرماید (وانا اخترتک فاستمع لما یوحی) و من تو را به رسالت خود برگزیدم پس (در اینصورت به سخن) وحی گوش فراده (تا کلام مرا بشنوی) و باریتعالی پس از معرفی ذات خود اول از رسولش می‌خواهد که، شخصاً خداوند را عبادت کند و برای اینکه به یاد خداوند باشد (نماز) بسپا دارد. بعد از توحید به قیامت (رستاخیز) که در مورد هر ذیجودی اتفاق خواهد افتاد، اعتقاد کامل داشته باشد. آنگاه خواص و عظمت این دو بخش اعتقادی را برایش تبیین می‌فرماید و او را بیم می‌دهد، که هوپرستان تو را از یاد هولناکی آخرت، باز ندارند و غافل نکنند. و این نکته مهم زندگی است که، اگر فریبکاران با ترفندهائی از دام عقوبت و بازخواست و گرفتاری خطاکاریشان در دنیا، جستند، مطمئن باشند که روز جزائی به سزای اعمالشان خواهند رسید و عظمت این بیم هولناک که در آن دنیا مخلد آتش خواهند شد، ترمز محکمی است که همواره بسیاری از انسانها راه، که تمایل به خلافتکاری پیدا می‌کنند، از ارتکاب بزه باز می‌دارد و بسا مدیران که فاقد این اعتقاد باشند و با خود کامگی دچار لغزش و پایمالی حقوق زیردستان و اجتماع بشوند!!

۴- دلیل گماردن:

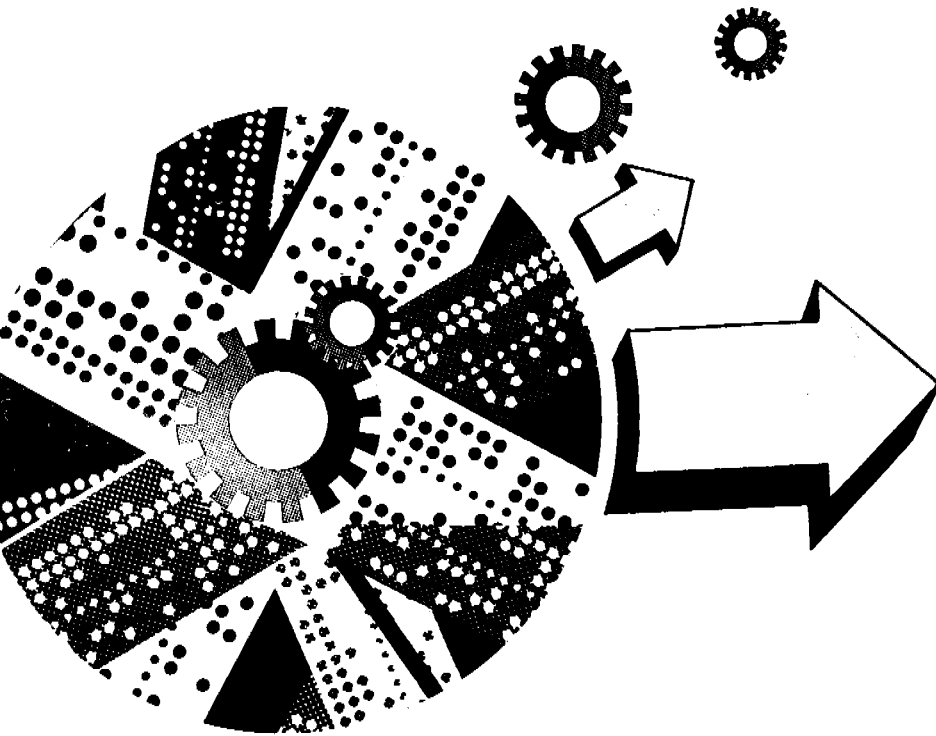
اولین سئوالی که به ذهن یک مدیر می‌رسد این است که (برای چه!) کما اینکه خداوند متعال برای رفع ابهام به حضرت موسی می‌فرماید، (انه طغی) زیرا او از فرمان

۲- تمهید زمینه: حضرت موسی با وجود قتل نفس (قایق یکی از بستگان فرعون) خداوند او را نجات می‌دهد. توجه: تکرار این الطاف الهی یکی هم بدان جهت است که حضرت موسی آگاه باشد، برای تحمل بار چه مسئولی از بدو تولید تا سن مورد نظر به لطف الهی از چه خطراتی جانگاهی نجات یافته است. و امروز هر مسئولیتی باید با تمام وجود متذکر حال خود باشد که، به لطف خدا از چه ذلت و خفقانی نجات یافته و به یمن پیروزی انقلاب اسلامی و حکومت صالحان مجال دست‌یابی به این اقتدار را یافته است و سرمایه‌های انسانی و اقتصادی از خون پاک ابرار گرفته تا زجرها و شکنجه‌ها و انهدام ثروتها، امروزه موجبات بقدرت رسیدن مستضعفین گردیده است. یادآوری و تذکار آن جانفشانی‌ها و زحمات، مدیران را از بفراموشی سپردن اصول و مایه‌های افتخار و دلایل اقتدار باز می‌دارد.

(فذكر ان ذكری تنفع المومنین)

۳- تعیین هدف مسئولیت:

هر مسئولی که برای احراز سمتی گزینش شده، بایستی عمیقاً با ابعاد و اهمیت و هدف غائی رسالت عظیمش آشنا و راه کارها برایش توجیه شود، بنحوی که هیچگونه تردید و نقطه کوری در راه و هدفش باقی نماند و توجهش بخوبی کارکنان شایسته را جلب نماید. کما اینکه پروردگار قادر متعال حضرت موسی (ع) را که قدری از توفیق خود بیمناک بنظر



باید همواره در درون خود متذکر این معنا باشد که، حل معضلات و گره‌گشائی منحصر به یک راه نیست و در این صورت با برخورد به بن بست سرخورده و از نظر روحی در درون خویش خرد نخواهد شد و دست روی دست گذارده مایوسانه دیوار بلند غیر قابل تخریب شکست را نظاره نمی‌کند. چه اگر اعتقاد داشت، که خداوند حلال مشکلات و مفتاح قفل معضلات است، فوراً به درگاه او پناه برده، حل مشکل را از درگاهش درخواست می‌کند و هرچه اعتقادش به قدرت لایزال الهی راسختر باشد، با تکیه بر عنایات خداوندی به راه‌های دیگری می‌اندیشد و فکر او بازتر و بلندتر به جنگ معضل خواهد رفت و دست کم، حسن این نکته در این است که عفریت یأس چنگ در دل او نمی‌اندازد و در نتیجه با اتکال به ذات لایزال الهی با کنکاش و بازبینی سیر اقدامات، از تلاش باز نمی‌ایستد و سرانجام با حل نشدن قضیه خود را سرزنش نمی‌کند و مصلحت و رضای خدا را در عدم انجام آن می‌بیند.

۷- بینش بلند و همه جانبه

مکتهب‌های الحادی دست یابی به بینش بلند را فقط در سایه تربیت و آموزش می‌بینند و بس، و از نظر آنها تخصص تنها در سایه تلاش فرد بدست می‌آید و مراتب علمی با نعمات فطری و جسمی خدادادی همسو نمی‌باشد. مکاتب الهی و درصدر آنها دین مبین اسلام تلقی و بینشی دارند، که استعداد درک و ضبط و قوهٔ ارائه کلیه دانش بشری را لطف و عنایت حضرت حق دانسته و تمامی قوای روحی و ذهنی و جسمی انسان را نعمت الهی می‌دانند که بدلائل آشکار و نهان، بقدرت خداوند در یک فرد، بودیمه گذاشته شده و با استغاثه و

دعا به درگاه خداوند مهربان می‌توان به بیشتر شدن و کاملتر شدن آنها دست یافت.

مکتب الهی اسلام همچنین شرح صدر یا عبارتی بینش بلند و کامل را از الطاف الهی می‌داند و معتقد است لازمه اعمال مدیریت، داشتن آن است و لذاست که در قرآن کریم تلاوت می‌کنیم (رب اشرح لی صدری) و چه به وفور مشاهده می‌شود که علت اصلی عدم توفیق بعضی مدیران ضیق صدر (کوتاه بینی است).

۸- پیچیدگی امور:

در کوران کار و زندگی، حوادث و معضلاتی همواره در کمین هستند که گاه غیرقابل پیش‌بینی بوده و مانع انجام درست یا کامل کارها می‌شوند.

در این حال نیز جز آنکه خدا بلا بگرداند و کارها را آسان فرماید، چاره‌ای برای دفع حادثه - ولو با هوشیاری در تمهید مقدمات کار و اجرای دقیق برنامه - وجود ندارد و ملاحظه می‌شود پیامبر راستین خدا، دومین درخواستش

(یسرلی امری) است و برآستی چه کسی می‌تواند ادعا کند که اگر مشیت الهی برآسانی کار قرار نگیرد آن اقدام بی‌عیب و بدون اشکال به سر منزل مقصود خواهد رسید؟

۹- بیان قوی و گیرا:

گواینکه اثرات قدرت بیان، بر شنونده، مستغنی از دلیل و برهان است و تاثیر عمیق نحوه بیان، در پیشرفت امور، نیاز مبرمی به ارائه براهین ندارد، اما آدمیان از عامی گرفته تا عالمان و بلندمرتبه، متفق القولند که، (سحریان)^۱ مهمترین وسیله پیشبرد مقاصد و تثبیت راه و نیل به هدف است.

چه بسا آدمهای با سواد و معتقد به هدف و مدیر بلند پایه، به واسطه بیان غیرگیرا و ضعیف و الکن، ناموفقند و کسی رغبت استماع نظرات آنها را ندارد. فرایند دانش و آگاهی حرف خوب زدن است، خوب حرف زدن یک نعمت شایسته الهی می‌باشد، لطفی که همگان از آن برخوردار نیستند!!

تسلسل بیان و شیوایی سخن در طول تاریخ

همواره مایه ترقی و همچنین دگرگون‌هائی خیره‌کننده بوده است و می‌بینیم که این هنر هرچند که اکتسابی باشد باز هم نیاز به چاشنی و بارقه بخشش خداوندی دارد و بکرات و تجربه ثابت شده است، که سخنگویان قهار و مقتدر، زنان و مردان الهی بوده‌اند. نمونه‌هایی از این دست در مکتب پرفیض اسلام، صرف‌نظر از خاندان جلیل‌القدر رسالت، خارج از شمار است. ناطقان زبردست امروز اسلام را بنگرید که بدون نوشته، ساعتها قادر به در افشانی در پیچیده‌ترین و حساسترین مباحث سیاسی و اجتماعی هستند و تحصیلکرده‌های کشورهای غیراسلامی را بنگرید که چگونه در ده دقیقه صحبت بی عیب و علت و دلنشین شفاهی و یا حتی کتبی، مشکل دارند و می‌بینیم، سومین تقاضای حضرت موسی (ع) باز شدن گره از بیان است (واحلل عقدة من لسانی). چه او برای تفهیم مافی الضمیرش (وحی الهی)، به بیان گرم و گیرا نیازمند است و باز بودن گره از زبان به حقیقت عنایت ویژه خداوند است.

۱۰- مخاطب با درک:

وجود مخاطبی که قوه اخذ و درک حقایق داشته باشد، بی‌شک معضل همه انبیاء و صلحاء بوده است. حضرت امام خمینی (ره) در چند جا که به مذاق بعضی‌ها خوش نیامد استدلال فرمودند، که نظیر مردم انقلابی امروز ایران در دوران خود نبی اکرم (ص) و حضرت امیرالمومنین (ع) نداشته‌ایم، یعنی مخاطبان به درایت و سلحشوری و فرمانبرداری از رهبر، نظیر مردم امروز ایران نبودند. بعبارت دیگر تفقه در دین نداشتند. مدیر آگاه آن است که از خداوند بخواهد زیر دستشان را (که همیشه مستمع دستورات و آراء او هستند) شنونده‌ای اهل تفقه و تحقیق قرار دهد.

«مدیریت تنها علم نیست، هم علم است و هم هنر. تا آنجا که به دانستن مربوط می‌شود، علم است و آنجا که با توانستن سروکار دارد، هنر است.»

وفی الواقع حضرت موسی (ع) چهارمین درخواستش از محضر باری‌تعالی، وجود مخاطبانی است که درک مطلب کنند. گویانکه تربیت و پرورش و آموزش است که مخاطب هوشیار بیار می‌آورد ولی اگر لطف خداوند شامل امتی نشود حتی کلام الهی هم، در آنها اثر کافی و کامل را نخواهد داشت.

۱۱- اهلیت کارگزاران:

حسن اجرا و حیثیت کار، در گروه اهلیت کارگزاران است. صلاحیت کارگزار هم، در خط مشی او متبلور می‌شود.

ارزشهای نافذ در هر جامعه‌ای، نقش اساسی و جهت دهنده، در نحوه تصمیم‌گیری خط‌مشی‌گذاران ایفا می‌کند و بررسی فرایندهای خط‌مشی‌گذاری، بدون التفات به ارزشهای مذکور، کار ناقصی است دو موضوع (مشورت و توکل) در ارتباط مستقیم با تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری است، که در بندهای جداگانه به آنها پرداخته خواهد شد. اما سایر ارزشها از دیدگاه جوامع مختلف، تقریباً یکسان است عبارتند از:

بهره‌مندی از علوم و دانش پیشرفته در رشته موردنظر، رکنی اصیل و قطعاً لازمه شایستگی کارگزار است. این ارزش از شدت وضوح نیاز به توضیح مفصل ندارد به طور مثال در مفهوم تجربه، که در اهمیت آن همین مثل کافی است که گفته‌اند: التجربة فوق العلم. قناعت، شفقت، احتراز از غرور و خودستایی، عبدصالح بودن، رضای خداوند، نظارت،

ایستادگی و سخت‌گیری در مورد متخلفان (بویژه راشی و مرتشی)، اخذ تصمیم عاقلانه، توجه به ناکافی بودن اطلاعات و شناختهای بشری، استماع صابرانه، توجه به قدرت قاهره خداوندی، عدم بها دادن به متملقان تسلط به ادبیات و اصول نگارش (جامعیت و ایجاد در نوشتارها) تصمیم‌گیری نهائی، احتراز از تصمیمات عجولانه، اعمال قدرت در پیشبرد اهداف مقدس نظام، تاب تحمل آزمایش الهی و بالاخره دوری از برخوردهای نسنجیده از جمله موارد است که در افراد با تجربه کمتر دیده می‌شود.

هریک از این ارزشها اسباب و لوازم یک مدیر واجد صلاحیت می‌باشد که، با استعانت از آیات مقدس الهی در پی خواهند آمد.

۱۲- تجربه:

ارزشهای اجتماعی و فرهنگی، به یک معنی از اعتقادات و جهان‌بینی و تلقی‌های فراگیر و موجود در جامعه شکل می‌گیرد و یکی از معیارهای سنجش خوب و بد که، ناشی از همان باورهاست، تجربه است. نتایج اقدامات موفق و تبعات کارهای ناموفق، ذهنیتی است، که برای مدیر باقی می‌ماند و این ذهنیت ملاک فهم خوبی برای انجام یا خودداری از انجام کارهای مشابه بعدی است.

تجربه عبارت از راهی است که، دست کم یک بار طی شده است و ناهمواری و معضلات و گردنه‌های آن برای مدیر آشناست. ضایعات را به حداقل می‌رساند، اطمینان خاطر می‌بخشد، عامل‌کنندگی ملاحظات و احتیاطها را کاسته در مشی جدید اقدام را سرعت لازم می‌بخشد.

ناگفته نماند که با بررسی هوشمندانه کارهای ناموفق و با کمک تجربه و قدری

پذیرش ریسک، بارها دیده شده که سرانجام توفیق نصیب گردیده است. ولی مدیر آگاه، همواره در نظر دارد که، مثلاً افراد نالایق یا خاطی را، لازم نیست بارها امتحان کند که در این گونه موارد گفته‌اند: من جرب المجرب حلت به الندامه.

شرط بکارگیری تجربه این است که مدیر را یک بعدی و تبیل بار نیاورد و او همواره سعی در تغییر بعضی موارد داشته و نوآوری را از نظر دور ندارد، چه پختگی در سایه تجربه‌های نویدست می‌آید.

یکی از خواص با اهمیت مطالعه و آموزش تاریخ و دلیل وجود قصه‌های واقعی قرآن، ارائه تجربه‌های انبیاء و ملت‌های گذشته است. (و هل اتک حدیث موسی؟)

۱۳- قناعت:

قناعت عبارت از اکتفا به آن چیزی است که خداوند روزی فرموده است. حرص و ولع صفاتی مذموم و ناپسندند، که انسان را در یک دریای سیری ناپذیر، بهلاکت رسانده، و به باد فنا می‌دهد. چه بسا مدیران عالم و موجه با آتش شیطانی حرص، هستی اجتماعی و ارزشهای انسانی آنها زایل شده، به پست‌ترین اعمال ناپسند دست یازیده و از شان والای انسان راضی و قانع، به گودال دنیا پرستی و مال دوستی سقوط کرده، عشق پول، همه چیز آنها را لجن مال نموده و اسراف و زیاده روی، مذهب عملی آنها می‌گردد.

یکی از نتایج شوم زیاده طلبی، چشمداشت به مال و ثروت دیگران است که، افراد زیون و بی‌ریشه را رشوه‌خوار می‌سازد. از دیدگاه قرآنی، توصیه به رسول (جهت اعلام به امت، آن است که ای پیامبر، ما هرگز به متاع ناچیزی که به قومی (کافر و جاهل) در

جلوه حیات دنیای فانی، برای امتحان داده‌ایم، چشم آرزو مگشا و رزق خدای تو بسیار بهتر و پاینده‌تر است.^۲

۱۴- شفقت:

دلسوزی وزیر دست‌نوازی، آن خصلت حمیده‌ای است که مدیر را محبوب قلوب زیردستان می‌سازد، البته آنکس که به خدا توجه دارد و قربه الی الله سائرین را در سایه شفقت خود قرار می‌دهد، خداوند هم او را در دنیا و هم در آخرت به اجر می‌رساند. همگان با جان و دل فرمان او را گردن می‌نهند و در یک رابطه صمیمانه و تنگنا تنگ است مدیر با استحکام و اطمینان و قدرت بیشتر می‌تواند، برنامه‌های خود را اجرا نماید.

بر تمیز صره از ناصره دقت می‌کند و زوایای کور و غیرفعال را مشخص می‌کند و به اصطلاح دوغ را از دوشاب مجزا می‌سازد، گرچه نظارت و باز بودن چشم و گوش ناظر ضرورت تام دارد ولی شفقت فراگیر و بدون تبعیض ناروا، نسبت به جمیع افراد زیردست، احترام ویژه افراد تحت فرمان را بر می‌انگیزد و راندمان کار را بحد اعلای ارتقاء می‌دهد و خلاف و سوء استفاده زیردستان را به حداقل می‌رساند و توطئه‌های تفرقه افکنان را در خنثی می‌سازد زیرا که همگان قلباً از مدیر راضی هستند و دور نیرنگ بازان را خالی نگاه می‌دارند.

دستوری که پیشوای موران برای فرار از انهدام به موران می‌دهد،^۳ فرمان دلسوزانه‌ای است که رهبر بهنگام احساس خطر، مردمش را برای مصون ماندن، هشدار می‌دهد، چه او هم موظف است، زیردستان را از خطر برهاند و هم شفیق و دلسوز مردمش باشد. مدیر سخت دل البته می‌تواند، برای مدتی با ایجاد محیط

رعب، از گروه زیردستان کار بکشد، ولی کار در حد اجرای وظیفه است. ولی نمی‌تواند، انتظار انجام کارها، با حفظ حیثیت و نوآوری و بی‌غل و غش و بدون ضایعات عمدی (که خرابکار اثری از خود بجای نگذارد)، داشته باشد.

۱۵- احتراز از تکبر:

تکبر دام و ورطه هولناکی است. تکبر انسان را نسبت به درک حقایق و واقعیات کور و کر می‌کند. اسب سرکشی است که سوارش را، بالاخره بخاک مذلت می‌افکند، انسانها! حتی اگر ضرر متکبر، دامانشان را نگیرد باز از او متفرند. و فرمان متکبر که، معمولاً خالی از منطقی است، دست کم با رغبت انجام نمی‌شود.

۱۶- خودسنائی:

خودسنائی، بلحاظ روانشناختی عمل مغزهای بیمار گونه‌ای است که از غرور و خودبینی ناشی می‌شود و مدیر دارای این صفت را در نزد زیردستان خوار می‌کند، «مشک آنست که خود ببوید نه آنکه عطار بگوید»، کسی که در اوج اقتدار است، اگر عاقل و سالم باشد از خود تعریف نمی‌کند. اگر کردارش قوی و منطقی باشد، خودبخود معروف و محبوب خواهد شد. منتها شرط آن اینست که همواره شکر نعمت تکیه بر کرسی اقتدار را بجا آورد، همواره با عرض سپاس به درگاه خداوند متذکر خویشتن باشد که این نعمت از سرچشمه لطف خداوندی است. با مطالعه در آیات قرآنی، متوجه می‌شویم که پیامبران الهی در هر توفیقی با برشمردن نعماتی که به آنها اعطاء شده است درخواست می‌کنند: «بارالها بمن توفیق عطا فرما که شکر نعمت تو را بجای آورم».